

قاسمی در نقد لایحه بودجه سال آینده:

هزینه‌های بودجه متورم است

درآمد واقعی دولت حدود ۱۲هزار میلیارد تومان از پیش‌بینی بودجه کمتر خواهد بود

شرق، وحید صابری؛ سال‌های سال است که نظام بودجه‌ریزی ایران موردانتقاد متخصصان علوم اقتصادی است. محمد قاسمی، مدیردفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس نیز از منتقدان سرسخت این نوع بودجه‌ریزی است. از نظر او نظام بودجه‌ریزی ایران عملا با قواعد و سازوکارهای غیرمنطقی‌ای که در آن وجود دارد، نمی‌تواند بودجه‌ای شفاف و قابل‌تحلیل را ارایه دهد. او در سخنانی که در موسسه دین و اقتصاد ارایه کرد، با استناد به اعداد و ارقام بودجه پیشنهادی دولت برای سال۹۴، به‌نقد لایحه تنظیمی دولت پرداخت. از نظر قاسمی برای اصلاح وضعیت اقتصادی کشور، مهم‌ترین کار اصلاح سازوکار ورود درآمدهای نفتی به بودجه کشور است. مشروح سخنان وی به این شرح است: در کشور ما مردم و رسانه‌ها توجه کمتری نسبت به بسیاری از کشورهای پیشرفته به مساله بودجه دارند. در برخی کشورها رونمایی از بودجه طی یک‌مراسم رسمی و مفصل صورت می‌گیرد که مقامات ارایه‌دهنده و تصویب‌کننده بودجه در آن سخنرانی می‌کنند. دلیل این امر این است که بودجه درواقع تعیین‌تکلیف‌داری‌های عمومی است و دولت باید مدام مشروعیت اقدامات خود را به مردم اثبات کند. در کشور ما مراسم خاصی برای معرفی بودجه وجود ندارد و خبرنگاران هم باید از این مسوول به سراغ آن‌یکی بروند تا شاید یک‌نفر توضیح مختصری در مورد آن ارایه دهد. از این جهت باید از موسسه دین و اقتصاد تشکر کرد که هرسال حداقل جلسه‌ای را برای نقد بودجه برگزار می‌کند.

معمولا در بودجه، منابع را به سه‌بخش تقسیم می‌کنند: درآمدها که درآمدهای مالیاتی و غیرنفتی در آن می‌آید، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای که عمدتا شامل درآمدهای حاصل از نفت است، واگذاری دارایی‌های مالی که بیشتر شامل مجموعه استقراض‌هایی است که دولت انجام می‌دهد. مصارف دولت نیز در مقابل به این سه‌بخش تقسیم می‌شود: هزینه‌ها که شامل هزینه‌های جاری می‌شود، تملک دارایی‌های سرمایه‌ای که طرح‌های عمرانی است و بازپرداخت بدهی‌های دولت که تحت عنوان تملک‌های مالی از آن یاد می‌شود. در بودجه سال آینده در مقام مقایسه با سال جاری، درآمدها از حدود ۸۰هزارمیلیاردتومان به ۱۱۹هزارمیلیاردتومان افزایش، فروش نفت از حدود ۸۰هزارمیلیاردتومان به ۷۴هزارمیلیاردتومان کاهش و از مجموع استقراض‌ها و واگذاری سهام از ۳۰هزارمیلیاردتومان به ۳۱هزارمیلیاردتومان افزایش پیدا کرده است.

در مقابل هزینه‌ها از حدود ۱۵۰هزارمیلیاردتومان به ۱۶۶هزارمیلیاردتومان افزایش، طرح‌های عمرانی از ۴۱هزارمیلیاردتومان به ۴۸هزارمیلیاردتومان افزایش و بازپرداخت انواع اوراق از ۲۱هزارمیلیاردتومان به ۱۱هزارمیلیاردتومان کاهش پیدا کرده است. یکی از نقاط ضعف در نظام بودجه‌ریزی ما این است که هنوز ارقام هزینه و درآمد دولت قابل‌مقایسه با هم نیستند. برای مثال اگر شما بخواهید بدانید دولت سال گذشته چقدر حقوق داده و امسال می‌خواهد چقدر حقوق بدهد، بودجه‌قادر به پاسخ این سوال نیست. شما برای این پاسخ باید چندین‌تکنیک محاسباتی را بدانید تا بتوانید به این سوال پاسخ دهید. متأسفانه دولت‌ها

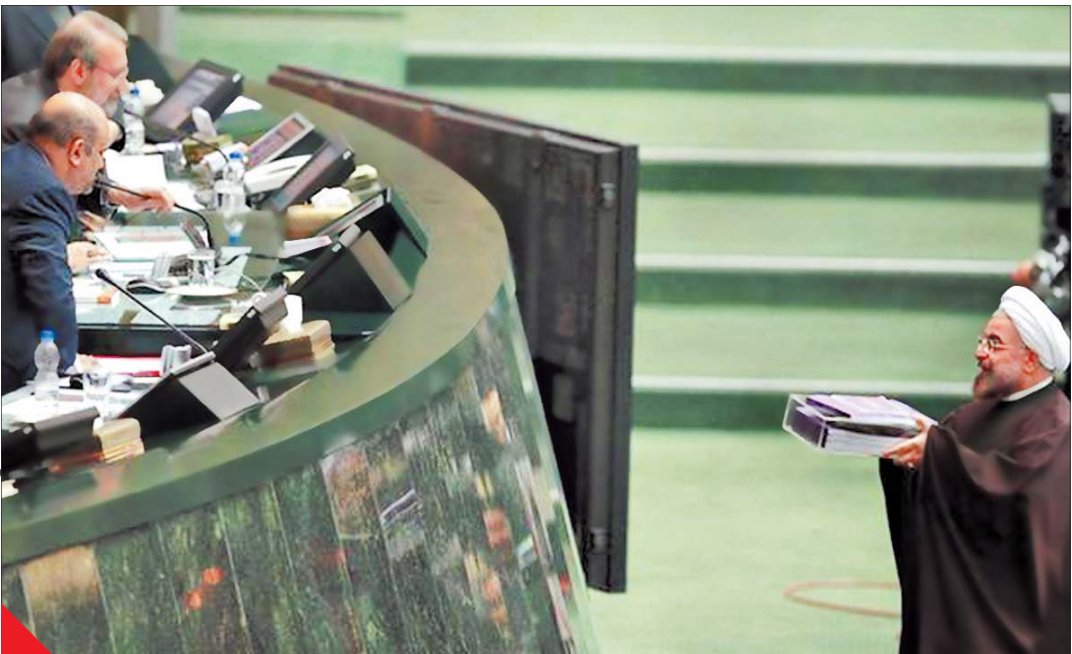
از این پیچیدگی محاسباتی برای پوشش برخی سیاست‌های خود استفاده می‌کنند. برای مثال وقتی گفته می‌شود تملک دارایی‌های مالی از ۲۱ به ۱۱هزارمیلیاردتومان کاهش پیدا کرده، به این معنی نیست که بازپرداخت بدهی‌های دولت کاهش پیدا کرده، بلکه به این معنی است که بخشی از واگذاری سهامی که هرسال برای رد دیون صورت می‌گرفته، از بودجه حذف شده است. در بودجه، درآمدهای اختصاصی دولت از ۱۴هزار۲۴ به ۴۳هزارمیلیاردتومان افزایش پیدا کرده و در مقابل، مصارف اختصاصی هم زیاد شده است. بخشی از افزایش به تحول نظام سلامت

برمی‌گردد. محل صرف عمده درآمدهای اختصاصی در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌هاست. با توجه به تعرفه‌هایی که در نظر گرفته شده، پیش‌بینی می‌شود گردش مالی بیمارستان‌ها افزایش چشمگیری داشته باشد که این افزایش خود را در اینجا نشان می‌دهد. ۲۶۷هزارمیلیاردتومان بودجه عمومی با حدود ۶۰۰هزارمیلیاردتومان بودجه شرکت‌های دولتی جمع می‌شود. جمع این دوعدد نیز به‌لحاظ علمی غلط است چراکه ماهیت این دوعدد متفاوت است. به هرحال جمع این ارقام حدود ۸۲۷هزارمیلیاردتومان می‌شود که مبلغ کل بودجه سال آینده کشور است. تمرکز ما در این بحث روی بودجه عمومی دولت است. در سال آینده درآمدهای مالیاتی با رشد ۲۲درصدی از ۷۰ به ۸۶هزارمیلیاردتومان می‌رسد. همچنین صادرات نفت از ۷۸ به ۷۱هزارمیلیاردتومان کاهش یافته و درآمدهای حاصل از مالکیت دولت که عمدتا شامل سود سهام شرکت‌های دولتی و... است، از حدود ۱۹به حدود ۲۰هزارمیلیاردتومان افزایش پیدا کرده است. همچنین در ادامه درآمدهای حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی از حدود ۲۳ به ۱۷هزارمیلیاردتومان کاهش، فروش اسناد خزانه و انواع اوراق تعهدزا از شش‌به ۱۱هزارمیلیاردتومان افزایش و سهم سایر منابع از ۱۵به ۱۹هزارمیلیاردتومان افزایش پیدا کرده است. در مقابل این، ۲۴۴هزارمیلیاردتومان در قالب سه‌سرفصل توزیع شده است. مبلغ ۱۶۶هزارمیلیاردتومان به هزینه‌های جاری کشور اختصاص یافته که ۱۱درصد نسبت به ۱۵۰هزارمیلیاردتومان پیش‌بینی هزینه‌های جاری سال۹۳ رشد دارد.

تصمیم جدید کمتر از انگشتان دست

تعداد تصمیم‌های جدید دولت در لایحه بودجه کمتر از انگشتان دودست است. در بخش درآمدهای مالیاتی، در بخش مالیات‌های مستقیم هیچ تصمیم جدیدی گرفته نشده غیر از اینکه یک‌درصد به میزان مالیات برارزش‌افزوده اضافه شده است. در قسمت منابع حاصل از صادرات نفت دوتصمیم جدید گرفته شده است؛ یکی راجع‌به نرخ تسعیر است که در آن مبنای نرخ ارز محاسباتی از دوهزارو۶۵۰ به دوهزارو۸۵۰تومان افزایش پیدا کرده و دوم اینکه سهم صندوق توسعه ملی که با توجه به الزام دولت به افزایش سه‌درصدی سالانه این سهم از ۲۹درصد باید به ۳۲درصد می‌رسید، به ۲۰درصد کاهش پیدا کرده است. این کاهش به علت کاهش درآمدهای نفتی رخ داده است. در نهایت در بخش واگذاری دارایی‌های مالی نیز افزایش فروش اوراق تعهدزا از شش به ۱۱هزارمیلیاردتومان است و همان‌طور که گفته شد، آن‌بخشی که بابت تسویه بدهی‌های دولت اختصاص می‌یابد، از ۱به سه‌هزارمیلیاردتومان کاهش پیدا کرده است. در بخش مصارف هم دولت سه‌تصمیم جدید گرفته است، یکی اینکه دستمزد را ۱۴درصد افزایش

اقتصاد



بزرگراه اطلس‌رسانای نهاد ریاست‌جمهوری

که داده که هریک‌درصد از این افزایش برای دولت هزارمیلیاردتومان هزینه دارد، دوم کاهش یارانه‌ها از ۱۹ به ۱۴هزارمیلیاردتومان است که البته جدای از بحث هدفمندی یارانه‌هاست. در این قسمت ردیفی که کاهش چشمگیری داشته، یارانه نان بوده است. در بخش اعتبارات عمرانی هم دولت فقط هشت‌طرح جدید معرفی کرده است. میزان این اعتبارات هشت‌هزارمیلیاردتومان نسبت به بودجه مصوب۹۳ افزایش یافته است. در بحث هدفمندی یارانه‌ها دولت همانند سال گذشته سقف درآمد

۱۰ هزارمیلیاردتومان کاهش بازپرداخت بدهی‌های دولت

۴۸هزارمیلیاردتومانی را برای خود در نظر گرفته است. در توضیح این مطلب باید گفت در سال۹۳ دولت درآمد حاصل از افزایش حامل‌های انرژی را به‌اندازه‌ای که این سقف درآمدی محقق شود، افزایش نداد. این به معنی این است که دولت در ادامه۹۳ و در سال۹۴ طبق این مجوز امکان افزایش قیمت حامل‌های انرژی را خواهد داشت.

درآمد واقعی دولت کمتر از پیش‌بینی‌ها

در بررسی بودجه بحث اول میزان واقعی‌بودن برآورده است. در بحث درآمدها پیش‌بینی ما در مرکز پژوهش‌های مجلس این است که درآمد واقعی دولت حدود ۱۲هزارمیلیاردتومان از پیش‌بینی بودجه کمتر خواهد بود. در بخش صادرات نفت، هم راجع‌به قیمت نفت و هم در خصوص مقدار صادرات عدم‌اطمینان وجود دارد. دولت در تنظیم بودجه، نفت را ۷۲دلار در نظر گرفته که در زمان تهیه بودجه قیمت در همین حدود بود، اما الان قیمت خیلی پایین‌تر است. به ازای هریک دلار پایین‌ترآمدن قیمت نفت نسبت به پیش‌بینی، حدود ۹۰۰میلیاردتومان از درآمدهای دولت کم می‌شود. بنابراین اگر قیمت نفت در سال آینده حدود ۶۰دلار باشد، از منابع درآمدی دولت حدود ۱۱هزارمیلیاردتومان نسبت به پیش‌بینی کاسته می‌شود. بنابراین از حدود ۷۱هزارمیلیارددلار درآمد نفتی پیش‌بینی‌شده در بودجه با نفت ۶۰دلاری ۶۰هزارمیلیارددلار محقق خواهد شد. در بخش واگذاری درآمدهای مالی هم عمده عدم‌اطمینان به این مساله برمی‌گردد



- دولت فقط ۸ طرح جدید عمرانی در لایحه بودجه۹۴ معرفی کرده است
- سهم صندوق توسعه‌ملی به جای ۳۲درصد به ۲۰درصد کاهش یافته است
- هر یک‌درصد افزایش دستمزد، هزارمیلیاردتومان برای دولت هزینه است
- یارانه نان در لایحه بودجه۹۴ کاهش چشمگیر یافته است
- درآمد واقعی دولت ۱۲هزارمیلیاردتومان از پیش‌بینی بودجه کمتر است
- به ازای هر یک‌دلار پایین‌آمدن قیمت نفت نسبت به پیش‌بینی، ۹۰۰میلیاردتومان از درآمدهای دولت کم می‌شود
- در بهترین حالت از ۴۸هزارمیلیاردتومان بودجه عمرانی، ۲۴هزارمیلیاردتومان محقق می‌شود
- لایحه بودجه۹۴ مطابق شیوه سنتی تنظیم شده که یکی از نقاط ضعف آن است
- منابع بودجه با مسایلی گره خورده که از اختیار دولت خارج است
- این خطر وجود دارد که بازار ارز دوباره با نوسان مواجه شود
- نوسان نرخ ارز می‌تواند موفقیت‌های دولت در مهار تورم را از بین ببرد
- سال‌هاست که سقفی برای بودجه نداریم
- در شرایط فعلی مجلس و دولت باید نظام مالی را از طریق سازوکارهای جدید بودجه‌نویسی اصلاح کنند
- لایحه بودجه۹۴، تأثیرگذار نیست
- دیاست اقتصادی مشخصی در این لایحه وجود ندارد

نگاه

ابهام‌زدایی از اتاق فکر بودجه



مهدی پاژوکی کارشناس اقتصادی

مهم‌ترین نقد در باب نظام بودجه‌نویسی کشور متوجه عدم‌شفافیت در تنظیم لایحه بودجه است. برای پیشرفت ساختار بودجه‌ریزی پیش از هرچیز باید اتاق فکر بودجه را از چارچوب پرابهام فعلی خارج و در اتاقی با دیوارهای شیشه‌ای قرار داد، یعنی هریزال از اعداد و ارقام بودجه توسط متخصصان و افکارعمومی رصد شود. این عدم‌شفافیت سبب شده چه در بحث درآمد و چه در بخش مخارج، شاهد اعتبارات و ارقامی باشیم که قابل‌قبول نیستند. در باب لایحه بودجه۹۴ دونقد عمده وجود دارد: نقد اول متوجه بخش درآمدهای دولت است. طبق قانون مصوب برنامه‌چهارم و پنجم توسعه، تمامی بودجه جاری کشور باید از محل مالیات تأمین شود.

در بودجه سال۹۳ پیش‌بینی شده که از حدود ۱۴۹هزارمیلیاردتومان بودجه جاری کشور مبلغ ۷۹هزارمیلیاردتومان یعنی حدود ۵۳درصد آن از محل مالیات تأمین شود. در لایحه بودجه۹۴ نیز از ۱۶۶هزارمیلیاردتومان بودجه جاری ۸۶هزارمیلیاردتومان یعنی حدود ۵۱درصد آن از محل اخذ مالیات تأمین می‌شود. در این لایحه کل درآمدهای غیرنفتی دولت اعم از درآمد حاصل از مالیات و درآمدهای حاصل از مالکیت دولت حدود ۱۱۹هزارمیلیاردتومان است. این یعنی دولت در این سال با تراز مالی منفی ۴۶هزارمیلیاردتومانی مواجه است. برای اینکه نقص نظام مالیاتی کشور بیشتر مشخص شود، باید به این نکته اشاره کرد که نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی کشور حدود شش‌درصد و با احتساب همه عوارض شهرداری‌ها و... معادل ۱۱درصد است درحالی‌که همین شاخص در مالزی برابر ۲۱درصد، در ترکیه برابر ۲۵درصد و در کشورهای اسکاندناوی حدود ۵۰درصد است.

در شرایط فعلی اقتصاد ایران این یعنی هردستگاه به‌صورت جداگانه هرچقدر زورش رسیده برای کاری که می‌خواسته مصوبه‌ای را از هیات‌دولت گرفته است. نکته دیگر این است که کشورهای دارای نفت، در سیاستگذاری مالی عملا مجبور به تصمیم‌گیری در مورد متغیرهایی مانند قیمت نفت، ارز و امثال این می‌شوند که اصلا موضوع سیاستگذاری مالی نیست. در این شرایط، دولت در مقابل مجلس برای کاهش قیمت نفت در بودجه می‌گوید چرا می‌خواهید قیمت نفت را کاهش دهید؟ ما با سازوکار تخصیص بودجه عمرانی به هزینه‌های دیگر، عدم‌تحقق را جبران می‌کنیم، اگر اینطور باشد که دیگر در کل تصویب مجلس بی‌معنی است. آن کشورهایی که مساله کسری بودجه را جدی می‌گیرند، به این علت است که عدم‌النفع تأخیر در احداث پروژه‌های اجرایی برایشان مهم است. میزان صادرات نفت ما حدود صدمیلیارددلار بوده است. این مبلغ در۱۹ به ۵۶ و در ۹۳ به ۴۴میلیارددلار کاهش پیدا کرد. دولت بر اثر این کاهش یا باید هزینه‌ها را کاهش یا مثل باقی دولت‌ها ارزش پول ملی را کاهش می‌داد که هرچند بودجه را درست می‌کرد، اما پایه‌های اقتصاد را ویران می‌کرد. دولت در شرایط فعلی نیز با همین مساله روبه‌رو است. دولت در این شرایط منابع را بیشتر برآورد کرده، سهم صندوق را کاهش داده، قیمت‌ارز را افزایش داده و قرض کرده که سهم استقراض داخلی افزایش می‌یابد. منابع این بودجه با مسایلی گره خورده که از اختیار دولت خارج هستند و این خطری را گوشزد می‌کند که ممکن است بازار ارز مجددا با نوسان مواجه شود. این اتفاق می‌تواند موفقیت‌های دولت در مهار تورم را از بین ببرد.

راهکار مجلس برای مقابله با این خطرات این است که هزینه‌ها را دوسقفی کند، یعنی در یک سقف مطمئن از منابع به دولت اجازه هزینه دهد و در صورتی که در شش‌ماهه دوم منابع محقق شد سقف دومی برای دولت تعیین کند. همچنین دولت می‌توانست نحوه ورود منابع نفت به بودجه را عوض کند. مجلس می‌تواند سقف مصارف ریالی دولت را از بحث ارز و نفت جدا کند، یعنی ما بپذیریم که ۷۱هزارمیلیاردتومان کسری بودجه بدون نفت داریم. با این رویکرد باید کل درآمد نفت به حساب صندوق توسعه ملی واریز شود و دولت تا سقفی از این منابع اجازه داشته باشد که تأمین ریالی کند. با این کار، مصلحت‌اندیشی بانک‌مرکزی خواهد بود که قیمت نفت را تعیین خواهد کرد. این کار انگیزه دولت در دستکاری بازار ارز را به هم می‌زند. با این کار حتی اگر نفت به صددلار هم برگردد، دولت اجازه دستکاری در بازار ارز و کسب درآمد را نخواهد داشت. ما الان سال‌هاست که سقفی برای بودجه نداریم. در بودجه امسال مانند سال‌های پیش دولت پیشنهاد داده اگر درآمدی بیشتر از منابع بودجه داشت، ۱۵هزارمیلیاردتومان اضافه بر بودجه صرف آب و خاک و راه بکند. نکته دیگر اینکه در شرایط سخت باید بار مشکلات را به‌درستی پخش کرد. مجلس اول مشروطه که در تاریخ ماندگار شد به این علت بود که تمام هم‌وغم خود را صرف اصلاح نظام مالی کشور کرد. در شرایط فعلی، مجلس و دولت باید نظام مالی را از طریق سازوکارهای جدید بودجه‌نویسی اصلاح کنند. دوسال پیش رییس دیوان محاسبات اعلام کرد ما واقعا نمی‌دانیم دولت چقدر درآمد و چه میزان هزینه دارد! این روند باید اصلاح شود. با این شرایط می‌توان گفت بودجه۹۴ بودجه تأثیرگذاری نیست. سیاست اقتصادی مشخصی در این بودجه وجود ندارد.

ادامه از صفحه ۹

از مشروطه ژاپنی تا مشروطه ایرانی

چین می‌تواند همان کالاهای ژاپنی را به‌استثای برخی محصولات با تکنولوژی بالا تولید کند و با قیمت پایین‌تر بفروشد، همسایه بزرگ و مغروری که یک سده پیش زیر سیطره و نفوذ ژاپن بود، دوباره به شرایط اوج دوران باستان خود نزدیک می‌شود. اقتصاد گره نیز قوی شده و نقش‌کش می‌طلبد. در نظام سرمایه‌داری اصل بر رقابت است. باید بتوان کالا را با قیمت پایین و کیفیت مناسب تولید کرد و فروخت. چین موفق شده تا حد زیادی با بهره‌کشی شدید از نیروی کار ارزان‌قیمت و تولید کالاهای بسیار رقابت‌پذیر، بازارهای ژاپن و دیگران را بگیرد. صادرات ژاپن بعد از بحران اقتصادی این کشور در دهه۱۹۹۰ و بحران بزرگ اقتصادی سال۱۹۹۷ آسیای شرقی پایین آمده است. اشباع‌شدگی فقط خاص ژاپن نیست و اکثر کشورهای توسعه‌یافته سرمایه‌داری هر کدام به فراخور خود با این بحران دست به گریباند. پنج‌دهه بعد از جنگ جهانی دوم و رشد بی‌وقفه و بالای اقتصادی، این روند به ناگزیر کند یا متوقف شده است. رشد کشورهای عضو بریکس هم این اواخر کم شده و به اندازه سابق نیست. رکود سال۲۰۰۸ حالت مرزن پیدا کرده و تمام نشده و به نظر هم نمی‌آید بحران کنونی که ریشه در اضافه تولید و روند کاهنده سود دارد، به این‌زودی‌ها تمام شود. تاکنون برای رفع یا تخفیف بحران‌های اقتصادی این اضافه تولید عمدا صنعتی و مصرفی را به بخش نظامی- صنعتی هدایت می‌کرده و از این طریق به جنگ‌ها دامن می‌ده‌اند. اما ژاپن که مطابق قانون اساسی‌اش نمی‌تواند وارد نظامیگری شود و جنگ‌افزار بسازد و بفروشد، از این امتیاز که غربی‌ها و حتی چین و روسیه به‌وفور از آن استفاده می‌کنند، محروم است.

کاهواره دوجریان، ژاپن را به‌عنوان الگو مثال می‌زند؛ یکی فرهنگ عامه که نظم و دقت و عملکردی ژاپنی‌ها را مطرح می‌کند و دیگری جریان بوروکراتیک که ژاپن را به‌عنوان الگوی کشورداری و توسعه سرشقی می‌داند و حتی ایده تبدیل ایران به ژاپن اسلامی را مطرح می‌کند. تصویری که کتاب نیزایه می‌دهد، اسلحه‌های بالا و مدرنیزاسیون آمرانه دوران رضاشاه را به ذهن متبادر می‌کند. در بخشی از کتاب و در زمان تأسیس قانون اساسی در اواخر قرن نوزدهم از «حکومت مطلقه میجی» نام برده می‌شود که معادل توسعه آمرانه رضاشاهی در ایران چنددهه بعد است. آیا شما نیز در مقام مترجم کتاب به چنین چیزی معتقدید؟ آیا تنها راه مدرن شدن

ایران اصلاحات از بالا به سبک دوران میجی است؟
ما نیز در تاریخ خود اصلاحات از بالا کم نداشته‌ایم و این روند قبل از رضاشاه، از زمان ناصرالدین‌شاه، امیرکبیر و حتی قائم‌مقام آغاز شد. منتهای قصد من از ترجمه این کتاب معرفی الگوی ژاپنی به‌عنوان نمونه‌ای قابل اقتباس برای ما نبود. چون تفاوت‌های ما با آنها زیاد و حتی اساسی است. آنها وقتی اصلاحات را شروع کردند که فئودالیسم تقریبا تسکیم شده بود و جامعه تقریبا آمادگی پذیرش نوسازی صنعتی و اجتماعی را داشت. ما در ایران نهادهی به‌جز پارلمان نداشتیم که آن‌هم در تاریخ صد ساله ایران به‌جز چندبره محدود منشا اثر نبوده و بیشتر نهادهی تشریفاتی بوده است. اما در ژاپن مجلس نقش مهمی در امور مملکت پیدا کرد. در ضمن ناسیونالیسم در آنجا به‌شدت پا گرفت، اتفاقی که برای ما بیفتاد. ژاپن کسری است که از نظر جغرافیای، مذهب و فرهنگ با ایران تفاوت‌های اساسی‌ای دارد و از قضا با توجه به نقش پررنگ دین در تحولات اجتماعی‌واعقادی ایرانیان و تا اندازه‌ای اروپایی‌ها، نزدیکی‌های تمدنی بین ما باورمندان به ادیان ابراهیمی بیشتر است تا بین ما و ژاپنی‌ها و به‌طور کلی خاور دوری‌ها. زمانی‌که اسلام وارد ایران شد آیین کنفسیوسی تحت‌تأثیر تمدن چین وارد ژاپن شد و در آنجا پا گرفت. فرهنگ غالب در منطقه شرق‌دور همواره تحت‌تأثیر فرهنگ برتر چین و تا حدی بودیسم هندی بوده است. ساموئل هانتینگتون ژاپن را تمدنی منحصربه‌فرد و قائم‌به‌ذات خود می‌دانست، اما به‌نظر می‌رسد تمدن ژاپنی با وجود تفاوت‌های زبانی و جمعیتی، به‌واقع شدیدا متأثر از فرهنگ چینی و کنفسیوسی باشد. مغولان، چین و بسیاری از نقاط آسیای‌قرون وسطا، از جمله ایران ما را درنوردیدند، ولی چون ژاپن که در ژاپن خود «ژپانگو» می‌نامیدندش) جزیرهای محصور در آب‌های اقیانوس آرام بود مغولان حتی پس از یورش‌های متوالی نتوانستند آن را به تصرف درآورند. به‌نظر می‌رسد ژاپنی‌ها به دلیل انزواوی جغرافیایی‌شان این مجال را داشته‌اند که مسیر طبیعی تحول تاریخی خود را تقریبا بی‌مזاحمت عوامل بیرونی طی کنند. این انزوا ادامه داشت تا زمانی‌که هلندی‌ها در قرن‌هفدهم به‌تدریج وارد بنادر ژاپن شدند و حقوقی کسب و شروع به تجارت کردند که البته با مقاومت ژاپنی‌ها برای ورود به خاک کشورشان روبه‌رو و موقتا پس نشستند. در قرن‌نوزدهم و به‌دنبال سیاست کشتی‌های تویدار (Gunboat diplomacy) آمریکایی‌ها به فرماندهی ناخدا پری بنادر ژاپن را به نیروی نظامی گشودند و با «گشودن درهای ژاپن» آنها را مجبور کردند که تجارت با غربی‌ها را بپذیرند. ژاپن پیش از ما با استعمار اروپایی درگیر شد و تروهای سیاسی زیادی در مقابله با نیروهای غربگرا و طرفدار نوسازی بعد از دوران میجی صورت گرفت. معروف است که می‌گویند ژاپنی‌ها کبی‌کارهای خوبی هستند و همین خصلت نیز موجب شد علوم و فنون غربی را به‌خوبی یاد بگیرند و اقتباس کنند. در غرب انقلاب‌های اجتماعی‌ای که اتفاق افتاد باعث تحول در بالا و حکومت شد. برخلاف غرب، اصلاحات در ژاپن و ایران از بالا آغاز شد که در ژاپن به پیروزی رسید و در ایران هنوز در کش و قوس است. در ژاپن با بر شواهد و قرائن، مجموعه نتخکان حاکم با دیدگاه‌های متفاوت سیاسی به این توافق کلی رسیدند که اگر می‌خواهند در دوره جدید به بقای خود ادامه دهند و پیشرفت کنند، بایستی به غربی و صنعتی‌شدن و نوسازی روی بیاورند. با وجود قوی‌شدن ارتش و دوران جنگ‌جهانی دوم و تجاوزگری‌ها و فجایی‌ی که ژاپن برای همسایه‌های خود پیش آورد و بهای گزاف و سنگینی هم برای آن پرداخت. اما میراث میجی برای مردم ژاپن خوش‌فرجام بوده و در تاریخ ۱۵۰ساله از آغاز اصلاحات، به‌جز دورانی کوتاه، پیشرفتی تقریبا بدون انقطاع داشته‌اند. اگر ما به انقلاب مشروطه خود با دستاوردهای نیم‌دمن آن می‌نایم آنها هم به اصلاحات میجی‌شان می‌بالند که آن تا حد زیادی به خواسته‌هایی مثل رفاه، آزادی، صلح، پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، بیمه و سطح بالای زندگی رسیدند. نوسازی در ایران هرچند جنبه‌هایی از توسعه و پیشرفت را در پی آورد و نهادهای مدرنی مثل آموزش‌وپوروش و دادگستری و نظام نوین اداری را بنیاد گذاشت، اما نتوانست تعمیق یابد و به نوسازی سیاسی و اجتماعی منجر شود. یک دلیل آن هم شاید این بود که در ایران روسای دولت (امیرکبیر، مصدق یا حتی امینی) اصلاح طلب و روسای حکومت (ناصرالدین‌شاه، رضاشاه و محمدرضاشاه) خودکامه و مستبد بودند. اما در ژاپن این خود شخص شاه که امپراتورش می‌نامند اصلاح‌طلب بود. برافتادن توتوکاوا و آمدن میجی باعث شد ارتجاع و طرفداران حفظ وضع موجود به‌تدریج ضعیف شوند و کنار بروند و طرفداران ترقی و پیشرفت سر کار بیایند و روند توسعه و نوسازی همه‌جانبه و بدون گسست را آغاز کنند.